سالروز در گذشت فقیه بزرگ آیت ال.. حسن یوسف معروف به علامه حلی(ره) 726) ق)

1392-9-4

21 محرم الحرام، سالروز وفات عالم رباني، علامه حلي(ره) است. عصر علامه را به سبب مجاهدت‌هاي بي پايان اين مرد شريف، بايد زمان توسعه و پيشرفت تمدن و دانش در جهان اسلام ناميد. علامه حلی تلاش و کوشش خستگی ناپذیری در نشر علوم و فقه اسلام نمود و در علم فقه و دیگر علوم تحول و شیوه نوی را ارائه کرد. یکی از دانشمندان می‌گوید: علامه حلی نظیری ندارد نه پیش از زمان خودش نه بعد از آن. نقل است که در مجلس درس او پانصد عالم برجسته و مجتهد تربیت شدند.

مختصري از زندگي پربار علامه حلي(ره)

چنانکه نقل است مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در مسیر حرکت از کوفه به صفین بر تپه‌های بابل روی تل بزرگی ایستاد و اشاره به بیشه و نیزاری نمود و این سخن را فرمود:

اینجا شهری است و چه شهری !

اصبغ بن نباته از یاران نزدیك حضرت عرض کرد :یا امیرالمومنین، می بینم از وجود شهری در اینجا سخن می گویی، آیا در اینجا شهری بود و اکنون آثار آن از بین رفته است؟ فرمود: نه ! ولی در اینجا شهری به وجود می آید که آن را »حله« می گویند و مردی از تیره بنی اسد آن را بنا می کند و از این شهر مردمی پاك سرشت و مطهر پدید می‌آیند که در پیشگاه خداوند مقرب و مستجاب الدعوه می‌شوند.

ولادت و خاندان

در شب 29 رمضان سال 648 ق . در شهر حله فرزندی از خاندانی پاك سرشت متولد شد که از مقربان درگاه باری تعالی قرار گرفت . نامش حسن و معروف به »علامه حلی« است . مادرش بانویی نیکوکار و عفیف ، دختر حسن بن یحیی بن حسن حلی، خواهر محقق حلی است و پدرش شیخ یوسف سدیدالدین از دانشمندان و فقهای عصر خویش در شهر فقاهت حله است. علامه حلی از طرف پدر به »آل مطهر« پیوند می خورد که خاندانی مقدس و بزرگ و همه اهل دانش و فضیلت و تقوا بودند. از آنها آثار و نوشته‌های گرانقدر به یادگار مانده که تا به امروز و در امتداد تاریخ مورد استفاده دانش‌پژوهان قرار گرفته است . آل مطهر به قبیله بنی اسد که بزرگترین قبیله عرب در شهر حله است پویند می خوردند که مدت زمانی حکومت و سیادت از آنها بود.

در برابر طوفان

هنوز يك دهه از سن جمال الدين حسن نگذشته بود که با حمله وحشیانه مغولان رعب و وحشت سرزمینهای اسلام را در بر گرفت . سرانجام بغداد به دست هلاکو فتح گردید و »معتصم « آخرین خلیفه بنی عباس از بین رفت حوزه فرهنگ اسلام و مذهب شیعی در بغداد که از رونق بسزایی بر خوردار بود متلاشی شد و بر شهرهای عراق ترس و وحشت از مغولان سایه افکند. ولی به رغم وحشیگری‌های مغولان دور از فرهنگ و با تلاش و همت بلند و درایت فقهای شیعه در حله - بویژه شیخ یوسف سدیدالدین پدر جمال الدین حسن - لطف و عنایت پروردگار، امنیت به شهر حله و شهرهای مقدس عراق بازگشت و سرزمین حله پناهی برای فقها و دانشمندان شد. از این پس حله تا اواخر قرن هشتم ، به مثابه یکی از حوزه‌های برزگ مذهب شیعی شناخته می شد که طلاب و اندیشمندان از گوشه و کنار مجذوب آن حوزه می‌شدند. بدین گونه وطن جمال الدین حسن برای وی و دیگر دانش‌پژوهان در سایه صلح و آرامش و به دور از جنگ و خونریزی مهیای استفاده از محضر بزرگان و عالمان دین قرار گرفت .

در محضر عالمان

به اختصار به نام چند نفر از اساتید بزرگواری اشاره می کنیم :

شیخ یوسف سدیدالدین (پدر ارجمند او)
محقق حلی
خواجه نصیرالدین طوسی
سید رضی الدین علی بن طاووس
سید احمد بن طاووس
یحیی بن سعید حلی
مفیدالدین محمد بن جهم حلی
علی بن سلیان بحرانی
ابن میثم بحرانی
جمال الدین حسین بن ایاز نحوی
محمد بن محمد بن احمد کشی
نجم الدین علی بن عمر کاتبی

برهان الدین نسفی
شیخ فاروقی واسطی
شیخ تقی الدین عبدالله بن جعفر کوفی

مرجع تقلید
پس از رحلت محقق حلی، زعامت و مرجعیت شیعیان به علامه حلی منتقل گردید و این بار امانت الهی بر دوش با کفایت او گذاشته شد در حالي كه تنها 28 بهار از عمر شريف ايشان مي‌گذشت. بدين سبب به لقب مقدس و شريف »آيه الله« مشهور گرديد، كه در آن روزگار تنها او به این لقب خوانده می‌شد و هر کس آیه الله می‌گفت منظورش علامه حلی بود.
بذر تشیع
حضور فقیه یگانه عصر علامه حلی در ایران و مرکز حکومت مغولان خیر و برکت بود و با زمینه‌هایی که حاکم مغول برای وی به وجود آورده بود کمال بهره را برد و به دفاع از امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام برخاست . از این رو بزرگترین جلسه مناظره با حضور اندیشمندان شیعی و علمای مذاهب مختلف برگزار شد. از طرف علمای اهل سنت خواجه نظام الدین عبدالملك مراغه‌ای که از علمای شافعی و داناترین آنها بود برگزیده شد. علامه حلی با وی در بحث امامت مناظره کرد و خلافت بلا فصل مولا علی علیه السلام بعد از رسالت پیامبر اسلام را ثابت نمود و با دلیل‌های بسیار و محکم برتری مذهب شیعه امامیه را چنان روشن ساخت که جای هیچ گونه تردید و شبهه‌ای برای حاضران باقی نماند.
پس از جلسات بحث و مناظره و اثبات حقانیت مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اولجایتو مذهب شیعه را انتخاب کرد و به لقب »سلطان محمد خدابنده « معروف گشت . پس از اعلان تشیع وی ، در سراسر ایران مذهب اهل بیت منتشر شد و سلطان به نام دوازده امام خطبه خواند و دستور داد در تمام شهرها به نام مقدس ائمه معصومین علیهم السلام سکه زنند و سر در مساجد و اماکن مشرفه به نام ائمه مزین گردد. یکی از دانشمندان می نویسد: اگر برای علامه حلی منقبت و فضیلتی غیر از شیعه شدن سلطان محمد به دست او نبود، همین برای برتری و افتخار علامه بر دانشمندان و فقها بس بود حال آنکه مناقب و خوبی‌های وی شمارش یافتنی نیست و آثار ارزنده‌اش بی نهایت است .
در ایران
علامه حلی پس از یك دهه تلاش و خدمات ارزنده فرهنگی و به اهتزاز در آوردن پرچم ولایت و عشق و محبت خاندان عصمت و طهارت علهیم السلام در سراسر قلمرو مغولان در ایران ، در سال 716 ق . بعد از مرگ سلطان محمد خدابنده به وطن خویش سرزمین حله برگشت و در آنجا به تدریس و تالیف مشغول گردید و تا آخر عمر منصب مرجعیت و فتوا و زعامت شیعیان را به عهده داشت .
علامه حلي در هر يک از دانش‌هاي فقه، اصول، كلام و عقائد، حديث، رجال، تفسير، فلسفه، منطق، درباب دعا، شعر و ادب و ديگر دانش‌ها، آثار متعدد و بسيار ارزشمندي تأليف نموده‌اند كه تا كنون مورد رجوع و استناد انديشمندان قرار دارد.
فضیلت‌های درخشان
عارف فرزانه و اسوه ایمان و تقوا علامه حلی با آن همه تلاش فرهنگی و تدریس و نوشتن کتابهای ارزنده ، از یاد خدا و تقرب به درگاه حق غافل نبود و موفقیت در عرصه دانش و خدمات ارزشمند و پر بار را در سایه ارتباط معنوی و تقوای الهی می‌دانست . او را از زاهدترین و با تقواترین مردم معرفی کرده اند که سه یا چهار بار نمازهای تمام عمر خویش را قضا نمود. تنها به این اکتفا نکرد بلکه سفارش کرد تمام نمازها و روزه هایش را بعد از رحلتش به جا آورند و با اینکه به حج هم مشرف شده بود وصیت کرد از طرف او حج انجام دهند.
علامه به پیروی از مولا و مقتدایش امیرالمومنین علیه السلام نواحی وسیعی را با مال و دست خود آباد کرد و برای استفاده مردم وقف نمود و این یکی از فضیلت‌های او بود که در زندگی کمتر دانشمند و فقیهی به چشم می خورد. یکی از دانشمندان می نویسد: برای وی آبادیهای زیادی بود که خود نهرهای آب آنها را حفر و با پول و ثروتش زنده کرد. این آبادی‌ها به کسی تعلق نداشت و در زمان حیاتش آنان را وقف کرد.
در خدمت امام زمان علیه السلام
شب جمعه که فرا می رسید بوی تربت مقدس ابا عبدالله الحسین علیه السلام و عشق زیارت حضرتش ، علامه را بی تاب می کرد و از حله به کربلا می کشاند. از این رو هر هفته روزهای پنجشنبه به زیارت مولا و آقایش می شتافت . در یکی از هفته ها که به تنهایی در حال حرکت بود شخصی همراه وی به راه افتاد و با یکدیگر مشغول صحبت شدند. در ضمن صحبت برای علامه معلوم شد که این شخص مرد فاضلی است و تبحر خاصی در علوم دارد. از این نظر مشکلاتی را که در علوم مختلف برایش پیش آمده بود از آن شخص پرسید و او به همه پاسخ گفت تا اینکه بحث در یك مساله فقهی واقع شد و آن شخص فتوایی داد که علامه منکر آن شد و گفت : دلیل و حدیثی بر طبق این فتوا نداریم ! آن شخص گفت : شیخ طوسی در کتاب تهذیب ، در فلان صفحه و سطر حدیثی را در این باره ذکر کرده است ! علامه در حیرت شد که راستی این شخص کیست! از او پرسید آیا در این زمان که غیبت کبراست می توان حضرت صاحب الامر(عج) را دید؟ در این هنگام عصا از دست علامه افتاد و آن شخص خم شد و عصا را از زمین برداشت و در دست علامه گذاشت و فرمود: چگونه صاحب الزمان را نمی توان دید و حال آنکه دست او در دست تو است ! علامه بی اختیار خود را در مقابل پای آن حضرت انداخت و بیهوش شد!
وقتی به هوش آمد کسی را ندید. پس از بازگشت به حله به کتاب تهذیب مراجعه کرد و آن حدیث را در همان صفحه و سطر که آن حضرت فرموده بود پیدا کرد و به خط خود در حاشیه آن نوشت : این حدیثی است که حضرت صاحب الامر (عج) به آن خبر داد و به آن راهنمایی کرد. یکی از دانشمندان می نویسد: من آن کتاب را دیدم و در حاشیه آن حدیث ، خط علامه حلی را نیز مشاهده کردم .
غروب ستاره حله
علامه حلي پس از سال‌ها مجاهدت علمي و اخلاقي در 21 محرم الحرام سال 726 هجري قمري در سن 78 سالگي دار فاني را وداع

گفت و پیگر مطهرش در جوار مرقد شریف امیرالمومنین حضرت علي بن ابیطالب علیه السلام، به خاک سپرده شد.
از ایوان طلای امیرالمومنین علیه السلام دری به رواق علوی گشوده است . پس از ورود به سمت راست ، حجره ای کوچك دارای پنجره فولادی ، مخصوص قبر شریف علامه حلی است . زائرین بارگاه علوی در مقابل این حجره توقفی کرده ، مرقد شریفش را زیارت می کنند و از روح بلندش مدد می جویند.
برگرفته از سایت حوزه، به نشاني:
http://www.hawzah.net/fa/daneshvar/daneshvarview/572